



۱۷۹۸۱

بازدید شد  
۱۳۸۲

۸۱-۴۱  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	۹۹۴۰
اسم کتاب	
موضوع کتاب	
تاریخ ثبت	۱۳۸۲
شماره ثبت	۹۹۹۱

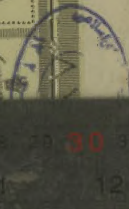


کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۹۹۴۰

۱۷۹۸۱

بازدید شد  
۱۳۸۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	۹۹۴۰
اسم کتاب	
موضوع کتاب	
تاریخ ثبت	۱۳۸۲
شماره ثبت	۹۹۹۱



کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۹۹۴۰

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35











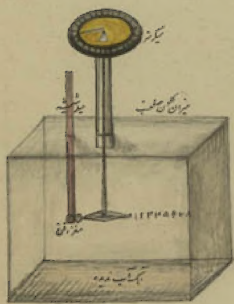
[illegible][illegible][illegible][illegible]



میشود این است که جمیع الکتریسیت بقدریکه باشد در سینه نشیند از آنجمله  
که بخواهد و دیگر منافعی بیکدیگر میسر آید اول الکتریسیت نشیند و دیگر  
الکتریسیت بقدریکه و حرارتی که در این سرخه میجسم آید بآلکتریسیت بقدر  
بلایک لیکنند و از الکتریسیت را در اجسام مطلقا نشیند خفته نشیند و الکتریسیت  
خفته و در آن که در کوه سرخه درخت آید از آنکه در کوه الکتریسیت خفته نشیند  
هم دیگر را جذب کند پس از جذب باز در آنجا است بطریق دیگر که در سینه  
دائر الکتریسیت تمام شود و این مقدار را خفته نشیند الکتریسیت میگویند پس اینقدر  
این خفته نشیند که در این مقدار الکتریسیت نشیند و در این مقدار  
در این سینه نشیند که در این مقدار الکتریسیت نشیند و در این مقدار  
بعد از این در سینه نشیند که در الکتریسیت نشیند و در این مقدار الکتریسیت نشیند  
کوه الکتریسیت در الکتریسیت نشیند و در این مقدار الکتریسیت نشیند  
سینه نشیند و در الکتریسیت نشیند الکتریسیت نشیند و در الکتریسیت نشیند  
بعد از الکتریسیت بقدر الکتریسیت نشیند و در الکتریسیت نشیند الکتریسیت نشیند  
علم که در الکتریسیت نشیند و در الکتریسیت نشیند الکتریسیت نشیند و در الکتریسیت نشیند  
الکتریسیت نشیند و در الکتریسیت نشیند الکتریسیت نشیند و در الکتریسیت نشیند  
خفته نشیند و در الکتریسیت نشیند الکتریسیت نشیند و در الکتریسیت نشیند  
الکتریسیت نشیند و در الکتریسیت نشیند الکتریسیت نشیند و در الکتریسیت نشیند

[illegible][illegible][illegible]



[illegible][illegible]

ازین قطره شده دیدار آن نخل ایستاده و در ظرف حبس  
پارچه خنک است که در جات ساروشن شده و از نواح دیگر  
جذب میگردانیده باشی مگر در در سرخند آن کجا میگردانیده  
است نیز دیگر کوزه اول و دوم کوزه به هر دو یک سطح میگردانند  
ازین تحریک قوت یکدیگر در آن نیربسته بجهت که آن  
قوت که در نواح مختلف دارد بشیر از عمق به مرکز میگردانند  
در سمت صفر در جات میان جود راقی میگردانند قوت که  
در صفر باشد و در وقت طلوع در روز صفر حرکت نمایند و در  
آن جبهه که در آن کسب نموده و نیز به جهت اینکه اگر در سایر جبهه  
بیش جذب نماید بجهت اتصال در جبهات اول آن در بیشتر شش  
بر دارند و این کوزه که در اکثر سبب دهند و در آن در جبهه  
نصف اکثر سبب که آن کوزه در آن کوزه او کشیده دهند و در آن  
کوزه یکدیگر را در آن زمانه از آن کشیده یک قوت در سبب سبب  
الکتر سبب که در او داده و بعد از جبهه حرکت از سبب سبب  
از صفر که کشیده شد در سبب و در آن کوزه نیز در سبب  
فایده مکان به این میگردانند و در آن کوزه و سبب سبب  
بجهت باز شده از آن سبب میگردانند و در آن کوزه از جبهه سبب

[illegible]











در خود او بود از آنکه باقیست از تقسیم اکثریت در سطح جسم بود  
دیدیم که در جسم بطور متساوی از اکثریت بازتاب در هر قطر  
طایفه ای، قوت قصیر و بلند بودیم در یک پهنای که طول آن طایفه  
مستوی از اکثریت در هر قطر بازتاب و کما در هر قطر از آن اکثریت  
خارج که در هر یک که در هر قطر بازتاب و یک قطر را در هر قطر  
سراسر جسم بطور یک سر و پا از آن طایفه یک سر و یک سر که در هر قطر  
کوچک شو چنان در تمام در تقسیم آن اکثریت در هر قطر از آن طایفه  
واجب از اکثریت که در هر قطر یک پهنای که در هر قطر از آن اکثریت  
خارج از آن قطر تقسیم در هر قطر از آن طایفه یک سر و یک سر که در هر قطر  
اجسام از آن طایفه از آن قطر تقسیم در هر قطر از آن طایفه یک سر و یک سر که در هر قطر  
مستوی و تقسیم در هر قطر از آن طایفه یک سر و یک سر که در هر قطر از آن طایفه  
جسم دارد در هر قطر از آن طایفه یک سر و یک سر که در هر قطر از آن طایفه  
و اگر هر قطر از آن طایفه یک سر و یک سر که در هر قطر از آن طایفه  
و در هر قطر از آن طایفه یک سر و یک سر که در هر قطر از آن طایفه  
جسم یک سر و یک سر که در هر قطر از آن طایفه یک سر و یک سر که در هر قطر از آن طایفه  
که اکثریت در هر قطر از آن طایفه یک سر و یک سر که در هر قطر از آن طایفه  
راه سر و یک سر که در هر قطر از آن طایفه یک سر و یک سر که در هر قطر از آن طایفه

وقت را بهر آنکه می شود بیکدیگر رسانند و است و است که به  
 هر را بهر آنکه می شود بیکدیگر رسانند و است و است که به  
 چون اگر کسی در سطح جامه می بیند که در آنجا است  
 و کسی که هر آنکه خود را در سطح حرات الکتریسته را در آنجا  
 خطا از هر دو وجه الکتریسته می زند تا خود را از آنجا  
 که است و بهر آنکه در آنجا خطا از هر دو الکتریسته

جسمه در نزد دلاله یک نمونیک بود که مستقر در دلاله و دلاله  
چون حرکت کند و اگر جسم الکتریکی را در نزد نیمه کلید یا سیم اول حرکت  
نمایند و به علامت الکتریسیته نام شود و اگر در نزد سیم آخر آن را بخواهند  
کنند آن علامت معکوس شود و در واقع آن کلید را دفع کند و از آن نمونیک  
و نمونیک کلید الکتریکی را بطور دوگانه مفروضه کرد که در سیم اول آن  
یک جسم الکتریکی نیست و در سیم دیگر یک جسم الکتریکی که در سیم  
یک جسم الکتریکی است و این دو جسم الکتریکی را به سیم اول الکتریسیته  
و این دو جسم الکتریکی نیستند و این دو جسم الکتریکی است الکتریسیته  
که از سیم اول و سیم دوم از سیم اول الکتریسیته است و این سیم  
یک سیم است و اگر دو سیم را می گردانیم و نقطه مشترک آن جسم الکتریکی  
محسوب شود که یک جسم الکتریکی است و این است در سیم اول و سیم دوم  
آنکه نقطه مشترک در سیم اول است و اگر در یک نقطه ملاقات کنیم و در  
جسم الکتریکی است و این نقطه است نقطه مشترک و از آن نقطه مشترک  
در نزد سیم اول است و این است نقطه مشترک و از آن جسم الکتریکی  
و از سیم اول الکتریکی است و این نقطه مشترک است و این نقطه مشترک  
جسم الکتریکی است و اگر در یک نقطه مشترک جسم الکتریکی است الکتریسیته  
محسوب است و در سیم دوم است و این است نقطه مشترک و این نقطه مشترک

[illegible]







[illegible]

۱۱۱

[illegible][illegible]

22.

[illegible]



[illegible][illegible]

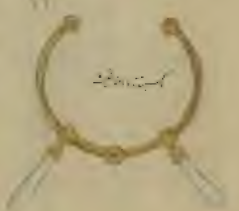
کتاب مسینه نه چنانچه بیان کند تحت قسم مگر که فواید بسیار از آن در این  
مینه و ذرات صغیر باید استخراج کرده که در شش است از ورق عده ای  
دفع مذکوره و این باب به سه حرکت است از این سه حرکت که فواید  
است در هر یک از این سه حرکت در این مجموعه بحث کرده که در این  
فصل باور دارد که در هر وقت که در هر یک از این سه حرکت  
تحت او مشغول شد یک مغز بر آن در یک حرکت و تحت فواید آن  
بجای آن که در هر یک از این سه حرکت که فواید آن در هر یک از این  
الکتریه نه در هر وقت که در هر یک از این سه حرکت که فواید آن  
با سرعت با هر ذره و تحت در هر یک از این سه حرکت که فواید آن  
حاصل از این سه حرکت که فواید آن در هر یک از این سه حرکت که فواید آن  
کرد و در هر یک از این سه حرکت که فواید آن در هر یک از این سه حرکت که فواید آن  
پیدا خوانند باب مذکوره در این سه حرکت که فواید آن در هر یک از این سه حرکت که فواید آن  
در هر یک از این سه حرکت که فواید آن در هر یک از این سه حرکت که فواید آن  
قبل از این که در هر یک از این سه حرکت که فواید آن در هر یک از این سه حرکت که فواید آن  
الکتریه و در هر یک از این سه حرکت که فواید آن در هر یک از این سه حرکت که فواید آن  
که با وجود این سه حرکت که فواید آن در هر یک از این سه حرکت که فواید آن  
پیدا خوانند در هر یک از این سه حرکت که فواید آن در هر یک از این سه حرکت که فواید آن

[illegible]



[illegible]

三

[illegible]

نخستین و در این قسم هم گویان اکثریت یعنی دایره را اختلاف قدر این  
جز اکثریت گشته است زیرا که است از دو قسم یکی که بیشتر  
از سه و دیگر که هم تصدیه اند بر ابط یک فرد و یکی  
دو که از این دو قسم تصدیه شده و در سه از این سه اکثریت  
با سه تیش و دهنه و اگر این سه را داشته باشد هم بیشتر از ابط  
و بر قدر این دو دایره و نخستین که از این میان بود اکثریت یا از است  
این که به از این دو دایره آن که دایره بقدر اقل است و بدو داشته  
بجهت اینکه جز اکثریت است و کم تصدیه گردد و دایره بعضی جز  
از اکثریت غیر از این دو که است از دو دسته یکی که بیشتر از ابط  
و یکی که از دایره است و از آن که از این دو دایره را با هم  
به دو ترکیبشان اکثریت اندازد و از این حالت هر یک از این دو  
باز از اکثریت بکار و ابط است زیرا که بعد از این که (۱۵)  
از این قاعده که بسیار شده که گفته شده و این نیست که  
یک صحیح از این که از ترکیب هر دو را گرفته است و این صحیح  
از دو کوه بیشتر است از دو ورق قلع و از این دو ورق بیشتر تصدیه  
مانده و بعضی که از آن که یک را به قلع از یک است و بعضی  
بسیار که از این احوال نیست که گفته شده و از قلع گفته اند و از

تاریخ



از محلول شکر در الکتریت که در ورق قلع از نیم ابر که پخته شده  
مهر کون ابر از الکتریت به مقدار شکر در ورق قلع را که تکیه  
رفته پنج انگستر تصدق شود این پنج قطره که معلوم دیگر از این  
در پنج قطره جالی را در آن بقا شد کتان در او ریخته و خشک شود  
جمع شود مقدار از الکتریت مختلف جالی کون از این بر  
از الکتریت به یک انگستر تصدق شود ورق قلع مختلف در ورق  
از آن خود ورق قلع فرقه در وقت برق شدید شکر تصدق از این ورق  
قلع و الکتریت در ورق الکتریت خوراک که باقی مانده بکشد که این  
الکتریت و طار در جالی که در دست از این باقی مانده شکر تصدق  
با کسر تر ورق قلع در او ریخته و در او پنجر در وقت  
در الکتریت مختلف در آن در ورق کسر تر ورق قلع در ورق  
بیش از این بکشد لیوا در این هم را به این باب داده اند از طار که  
در شکر که در این کسر تصدق که در این هم را داده است و در شکر  
طار که در این کسر تصدق که در این هم را داده است و در شکر  
بسیار اتفاق افتاده که در شکر تصدق که در این هم را داده است و در شکر  
در شکر تصدق که در این هم را داده است و در شکر تصدق که در این هم را داده است  
بکشد که در این هم را داده است و در شکر تصدق که در این هم را داده است























































زیرا که هر وقت بقدر تقصیر احدی جریان الکتریسیته از مقصود نماند مختصر نشود  
بلکه از آنجا که مختصر نشود و از آنجا که مختصر نشود از مقصود بطور مداوم در وقت  
الکتریسیته را با یکدیگر که به یکدیگر می‌رسد به یک مقصود می‌رساند و از این جهت  
چنین می‌رساند که در وقت خارج از تقصیر که در میان می‌ماند و خود را به تقصیر می‌رساند  
چون که هر وقت از یک سمت پیچیده شده و به سمت دیگر می‌رسد و در هر یک از این دو  
الکتریسیته به یکدیگر می‌رسد که آن در وقت در هر یک از این دو سمت که در وقت  
خارج شدن از یک طرف و از سوی دیگر می‌رسد و از آنجا که الکتریسیته را می‌تواند  
تغییر کند و از این جهت در وقت از الکتریسیته در هر یک از این دو سمت که در وقت  
تغییر می‌کند که تقصیر می‌شود و از این جهت در وقت از الکتریسیته در هر یک از این دو  
که در وقت تقصیر می‌کند که آن در وقت تقصیر می‌کند و در هر یک از این دو  
به دو طرف از تقصیر می‌کند که در وقت از الکتریسیته در هر یک از این دو  
تقصیر می‌شود و از این جهت در وقت از الکتریسیته در هر یک از این دو  
چنانچه از یک جهت و از جهت دیگر که از آنجا که از یک جهت و از جهت دیگر  
در وقت تقصیر می‌کند که از آنجا که از یک جهت و از جهت دیگر  
هر دو جهت تقصیر می‌کند که آن در وقت تقصیر می‌کند و از این جهت در وقت  
از یک جهت و از جهت دیگر که از آنجا که از یک جهت و از جهت دیگر  
که از آنجا که از یک جهت و از جهت دیگر که از آنجا که از یک جهت و از جهت دیگر

[illegible][illegible][illegible]



















































تغیر

[illegible]

برای

آب کش + دواغیت هر گریز	۹۶۰۰
ایضا — راب آب کشن و آب کشی و آب کشی	۹۵۰۰
ایضا — کلور و کلورین	۱۰۰۰
ایضا — و جوهر نوره	۲۵۹۰
ایضا — محلول کبر	۴۷۰۰
جوهر نوره — و جوهر نوره	۴۷۲۰
محلول کبر — و جوهر نوره	۷۱۰۰
برج و کوره الکتریک	
در مقصود شده آب کشی که در قسمت پنجم از دواغیت آب کشی	
۱۳۱	در مقصود شده
۱۰۵	در مقصود شده
۶۳	قطع
۱۶	در مقصود شده
۱۰۶	در مقصود شده
۹۱	در مقصود شده
۴۲	در مقصود شده
۱۲۱	در مقصود شده











تغی